ج) تدوین عددی و ریاضی

شاگرد: یعنی کل کلماتش رمز است؟

استاد: رمز به این معنا که به ازای یک شیء تکوینی است. از عجائبی که اینجا هست...؛ آدم بعضیها را میبیند که میگویند اینها بافتنی و خیالات است، اما وقتی آدم چند مطلب بشنود میبیند مثل اینکه اینها خیلی بافتنی نبود. از قدیم معروف بود که میگفتند فیثاغورس میگوید عالم بر عدد بنا شده. بعد میگفتند وقتی عدد گنگ –رادیکال دو مثلاً- کشف شد آنها دچار بحران شدند. من قبلاً عرض کردم که معلوم نیست این جور باشد. بلکه اینها را در کتابهای تاریخ ریاضی روی فهم خودشان میگویند. بعد میگویند مدتی جز اسرار فیثاغورس بود که رادیکال دو را نگویند. حتی در تاریخ ریاضیات نوشته اند -که به گمان من درست نیست- کسی که این سر را فاش کرد و در ویانان او را کشتند. یعنی چرا گفتی که ما رادیکال دو داریم که نمیتوانند بهصورت عدد در بیاید؟ تحلیل اینها بماند.

لذا در اینجا کار ماند. میگفتند قطر مربع جزء عالم است اما شما نمیتوانید آن را با عدد نشان دهید. پس بناء عالم بر عدد نیست. چرا؟ چون یکی از اجزاء عالم قطر مربع است. قطر مربع رادیکال دو و گنگ است. بعد گفتند دست از آن برداشتند. این جوری ها نیست حال حرف آنها هر چه بود کاری نداریم. گاهی به ذهنم میآید و میگویم برخی از اصحاب فیثاغورس که دچار بحران شده بودند اگر میدیدند قرار است قرن بیست و یکمی بیاید که کل دستگاه فیزیک را فیزیک کوانتومی بکنند، خیلی خوشحال میشدند. میگفتند ما به این زودی ها از عدد صحیح خودمان دست بر نمیداریم. یک زمانی میآید که تمام فیزیکشان بر محور اعداد صحیح دور میزند. کوانتوم این است. بر مضرب های تمام اعداد دور میزند. در فیزیک کوانتوم اصلاً پیوستگی نداریم.

منظور اینکه اصلاً معلوم نیست حرف آنها چه بود و تا چه اندازهای هم درست باشد. حال به این دو کار نداشته باشید. به فضایی بیایید که چیزی در دلش هست و داریم آن را میبینیم. اینکه هر چیزی یک جور عددی در بطن خودش دارد، این یک مطلب؛ و در بطن خودش نقاط هندسی دقیقی دارد. امروزه نزد کسانی که در علم کار میکنند مانند آفتاب است. چرا؟ چون یک چیز تجربی است که شما میتوانید سریع به خانه خودتان بروید و فوری تجربه کنید. یعنی ببینید که چنین چیزی هست. میگویند فیثاغورس در بازار مس گرها در میشد، در حال در شدن یک دفعه برای او نسبتهای تناسب صوتی کشف شد. به خانه رفت و تسمه کشید و ضربه زد و نسبتها را کشف کرد. این در تاریخ فیثاغورس معروف است. اولین کسی که نسبتهای صوتی را کشف کرد فیثاغورس بود. از بازار مس گرها در میشد، برخی از چکش ها بزرگ بود، برخی از آنها کوچک بود، صداهای جور و ناجور به تناسب صوت ها را کشف کرد.

شما میتوانید این دوتایی را که عرض میکنم در خانه انجام بدهید. روی هر شیئی بیرونی دست بگذارید یک نقطهای دارد که اسم آن را گرانیگاه میگویید. یعنی مرکز ثقل که در حال حرکت هم جای آن عوض میشود. در شرائط متعارف مرکز جسم –مثلاً کره- با مرکز ثقلش یکی است. به نظرم در بحث رؤیت هلال هم بحث کردیم. اما اگر همین کره را به حرکت در بیاوری مرکز ثقل آن و مرکز حجمش از هم جدا میشوند. آلآن کره زمین یک مرکزی دارد که برای حجم او است. یک مرکز ثقل هم دارد که با آن متفاوت است. چون زمین در حال حرکت است با هم متفاوت هستند.

از مثال‌هایی که همه می‌فهمند این است: یک وانت را در نظر بگیرید، این وانت اگر همینطور در مسیر خود برود و تکان بخورد چپ نمی‌شود. اما اگر یک بار عقب روی آن بگذارید و آن را ده متر بالا ببرید، به اندک دست اندازی چپ می‌کند. چرا؟ چون نقطه مرکز ثقل آن بالا رفته است. اینها چیزهای واضحی است. عرض می‌کنم که دو دو تا چهارتا است. در عالم علم و فیزیک نقطه‌ی مرکز ثقل داریم.

ببینید هر چیز تکوینی یک نقطه دارد. حالا ای سیال است یا ثابت است، اما این نقطه را دارد. یعنی کیان اشیاء یک کیان هندسی و ریاضی است. روی محاسبه می‌توانید نقطه دقیق آن را نشان دهید. تکوین روی حساب است. روی ملاحظه ظریف ترین مطالب محاسبه‌ای و ریاضی است. دوم؛ البته اینها برای یادآوری است که من یادم نرود. ارتعاش و تواتر، طبیعی ِهر شیء است. شاید صد سال باشد. زمانیکه پلی که از بتون آرمه بود در کره ریخت؛ نوشته اند تنها سی سرباز روی این پل بتون آرمه بسیار محکم رژه رفتند و آن پل فروریخت. همه تعجب کردند؛ آخر سی سرباز معمولی؟! آن هم روی چنین پلی؟! سنگین ترین تانک ها از روی آن در می‌شد، اما طوری نمی‌شد. تا اینها رژه رفتند ریخت. از اینجا بود که فرکانس طبیعی، ارتعاش طبیعی، تناوب رفت‌وبرگشت طبیعی که هر چیزی دارد کشف شد. عجائب خلقت است. یعنی شما روی هر چیزی دست بگذارید در دلش جنبشی با عدد است. شما اگر بتوانید آن جنبش عددی را تشدید کنید، حاصل آن یک انرژی بسیار بالایی است که این پل به این محکمی را خراب می‌کند. یعنی دیگر تاب آن را ندارد و همه آنها می‌ریزد. پاهای این سربازها فرنکانس طبیعی پل را تشدید می‌کرد. یعنی به قدری انرژی جنبشی در پل بالا رفت که پل شکست و نتوانست تحمل کند.این هم یکی دیگر؛ ببینید در دل هر شیئی عدد است؛ آن عددی که مساوی با تناوبی است که خدا برای آن قرار داده و تغییر هم می‌کند.

الآن به این فضا نگاه کنید. بعد می‌گویید خدای متعال که از این تکوین خبر دارد، این تکوین را یک جوری تدوین می‌کند که روایتی که امام علیه‌السلام در ذیل قرآن فرمودند را به‌گونه‌های دیگر می‌فهمیم. تفسیر عیاشی را نگاه کنید. حضرت فرمودند «ان القرآن یجری کما یجری اللیل و النهار». یعنی قرآنی که مدون است و ما آن را به‌صورت یک ثابت می‌بینیم، یک وجهش است که ثابت است و الا « یجری کما یجری اللیل و النهار». «یجری» معانی مختلفی دارد. این هم یک جورش است. یعنی قرآنی که تدوین تکوینی است یک بستر و شأنی از قرآن جمعی است که می‌خواهد عالم سیال و عالمی که نقاط مختلف عددی حسابی دارد را بیان کند.

و لذا در علوم غریبه –البته ما بلد نیستیم- کسانی که به‌دنبال آن هستند می‌بینند، از حروف به اعداد یک پلی می‌زنند؛ دوباره از اعداد به تکوین و از تکوین به اعداد ربط می دهند . این جور برنامه‌هایی دارند که ما بلد نیستیم. ولی خلاصه معلوم است که عدد را قرض می‌گیرند و به ازاء هر حرفی عددی می‌گذارند. یعنی حروف که از بسائط هستند با پل زدن اعداد بین حرف و تکوین رابطه برقرار می‌شود.

البته غیر از تدوین نگارشی است که من عرض کردم. جور دیگری از تکوین است. تدوین معنایی، تدوین عددی ریاضی، تدوین نگاشتی. اینها انواعی است که خدای متعال عالم برای خودش است و خودش هم می‌داند چه کار کرده. یک چیزهای مختصری به ما گفته‌اند.

ببینید در «وسّع علی امتی» بودیم؛ یک وقتی است که می‌گوییم «تقرأ»، یعنی شما و امت قرائت می‌کنید. یک فردی از کلام خدا را ایجاد می‌کنید.

شاگرد: آقا سؤال کردند که اگر تدوین تکوینی است، چرا می‌گویید «قرأ علی حرف واحد»؟ شما شروع کردید به اینکه تدوین انواع مختلفی دارد. یعنی سبعة احرف هم به بیانی می‌تواند تدوین تکوینی باشد.

استاد: بله، جزاکم الله خیرا.

بازبینی #2
ایجاد شده 9 آوریل 2024 14:33:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مه 2024 12:46:56 توسط ... .